

پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و نوام با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام تامین شود. هریک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور از آن مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد.

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه مصرف‌گرایی نیست- که خود، یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است- بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تامین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادها ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بریندد.

پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

بانوان در نظام جمهوری اسلامی باید قدر عظمتی را که اسلام به آنان داده است، بدانند. دام مصرف‌زدگی را که سرمایه‌داران چپاولگر جهانی بر گرد زن امروز دنیا تنیده‌اند، کاملاً بدرند و ضد ارزشهای فرهنگ غربی، مانند برهنگی و معاشرت بی‌بندوباری مردان و آلودگی به انواع فسادها را که در کشورهای پیشرفته و غالب کشورهای عقب افتاده بر زندگی زنان حاکم است، به چشم تحقیر و نفرت بنگرند و بدانند که امروز زن ایرانی که در صحنه‌های سیاست و کار و در میدانهای انقلاب با تقوا و پاکدامنی حضور دارد، برترین زنان دنیاست، و این را مردان و زنان منصف و حقیقین در همه جای جهان تصدیق می‌کنند.

پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی / ۱۳۶۸/۰۹/۰۲

این‌جانب از اینکه کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متاسفم؛ و از اینکه مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم. آنان که تجملات و زیاده‌های غیر ضرور و ولخرج‌آبانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند، به خود آیند و به انفاق روی آورند؛ و آنان که با سختی و تنگ‌دستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل می‌کنند، از این امر خسارت‌بار دست بکشند. برای متمکین، میانه‌روی؛ و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی؛ و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه‌ی انقلابی و رسمی اسلامی است.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۹/۱۵

بزرگترین ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی، از آن صاحبان بزرگترین کارخانه‌ها و معادن و منابع و عظیمترین ثروتهاست. تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صد و پنجاه سال پیش، شروع به برنامه‌ریزی و اشاعه‌ی فساد و فحشا کرده‌اند. آن‌ها زنها را از عفت بشری خارج ساختند؛ به طوری که حتی زنها اروپا و امریکا هم، به شدت پنجاه سال اخیر دچار فحشا و فساد و دوری از فضایل انسانی نبوده‌اند! زنان کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای دور دست که جای خود دارد. همچنین مردها را به فساد و راحت‌طلبی و تبلی و عشرت‌جویی و مصرف‌گرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی واداشتند. برای اینکه از طرف مردها و زنهایی که در کشورهای مختلف عالم، زیر فشار استبداد و استعمار این قدرتها قرار می‌گیرند، تهدید نشوند، مغزها را فاسد کردند.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

سیاست وایسته و سو تدبیر و ضعف نفس و استبداد در رژیم پهلوی و قاجار، در ظرف دو بیست سال، ایران را که روزی به برکت اسلام پرچمدار دانش جهان بود، به ویرانه‌ای محتاج بیگانگان و تحت سلطه‌ی آنان بدل ساخت. روستاها متروک، شهرها مصرف‌زده، مزارع بی‌ثمر، صنعت مونتاژ و مغزها معطل شدند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۶۹/۰۹/۱۲

امیرالمومنین (علیه‌الصلاه‌والسلام) در آن نامه‌ی معروف خود به «عثمان بن حنیف»، بعد از آنکه می‌فرمایند تو سر چنین سفره‌ی بودی و چنین و چنان، زندگی خودشان را می‌فرمایند: «الا و ان امامکم قد اکتفی من دنياه بطمریه و من طعمه بقرصیه». بعد می‌فرمایند: «الا وانکم لا تقدرون علی ذلک»؛ یعنی من از شماها توقع این‌طور زندگی را ندارم. من و شما کجا می‌توانیم به خاطرمان خطور بدهیم که قادریم در آن حد اوج پرواز کنیم؟ مگر شوخی است؟ بحث این نیست که ما از خودمان مسوولیت را دفع کنیم. نه، اگر کسی می‌تواند، باید بکند. بحث این نیست که برای عمل خودمان، توجیهی درست کنیم. نه، آن‌طور زندگی کردن، یک عمل تصنعی نیست؛ بلکه به یک روح پولادین متکی است، که آن روح در امیرالمومنین وجود داشت. در دنبال آن می‌فرمایند: «ولیکن اعینونی بورع و اجتهاد»(۱)؛ ورع پیشه کنید و هرچه می‌توانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر آن‌طوری نمی‌توانید، تا هرجا که می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم و می‌گوییم که جامعه‌ی ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگهای غربی ترویج می‌شود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ماست. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر می‌شود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملات ممکن باشیم، اما درعین‌حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را می‌دهند، ما باید عمل کنیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۶۹/۰۹/۱۲

امیر المومنین (علیه الصلاه و السلام) در آن نامه‌ی معروف خود به «عثمان بن حنیف»، بعد از آنکه می‌فرمایند تو سر چنین سفره‌ی بودی و چنین و چنان، زندگی خودشان را می‌فرمایند: «الا و ان امامکم قد اکتفی من دنياه بطمریه و من طعمه بقرصیه». بعد می‌فرمایند: «الا و انکم لا تقدرون علی ذلک»؛ یعنی من از شماها توقع این‌طور زندگی را ندارم. من و شما کجا می‌توانیم به خاطرمان خطور بدهیم که قادریم در آن حد اوج پرواز کنیم؟ مگر شوخی است؟ بحث این نیست که ما از خودمان مسوولیت را دفع کنیم. نه، اگر کسی می‌تواند، باید بکند. بحث این نیست که برای عمل خودمان، توجیهی درست کنیم. نه، آن‌طور زندگی کردن، یک عمل تصنعی نیست؛ بلکه به یک روح پولادین متکی است، که آن روح در امیر المومنین وجود داشت.

در دنبال آن می‌فرمایند: «و لیکن اعینونی بورع و اجتهاد»؛ ورع پیشه کنید و هرچه می‌توانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر آن‌طوری نمی‌توانید، تا هرجا که می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم و می‌گوییم که جامعه‌ی ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگهای غربی ترویج می‌شود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ماست. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر می‌شود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملات ممکن باشیم، اما درعین‌حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را می‌دهند، ما باید عمل کنیم.

بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان / ۱۳۶۹/۱۰/۱۶

چه ستمهایی که در حق زن روا داشته شده و اسامش ستم است، و چه ستمهایی که اسامش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق

دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می‌شد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حساسی برنامه‌ریزی کرد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله‌ی دستهای استعماری در میان ملت‌ها ترویج می‌شود، فرهنگ مصرف‌زدگی که روز به روز زندگی ملت‌ها ما را بیشتر در لجنزار خود فرومی‌برد، تا کمپانیهای غربی که مغز و قلب اردوگاه استکبارند بیشتر سود ببرند، سلطه‌ی سیاسی غرب استکباری که پایه‌های آن به وسیله‌ی حکومت‌های دست‌نشانده و ضد مردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه‌ای شکل آشکارتری به خود می‌گیرد، این‌ها و امثال آن، همه مظاهر همان شرک و بت‌پرستی است که در ضدیت کامل با نظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است. حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه‌ی توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبی مکرمش (ص)، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است؛ «و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله برئ من المشرکین و رسوله فان تبتم فهو خیر لکم و ان تولیتهم فاعلموا انکم غیر معجزی الله و بشر الذین کفروا بعذاب الیم»

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

آری، استکبار و دارودسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوق‌های مزدورش، از اینکه کشوری در اعماق کهنه‌پرستی، و ملتی در حال و هوای سنت‌های جاهلی خود سر کند، ولی درهای خزاین مادی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فروزون‌خواهی و سلطه‌طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف‌زدگی و می‌خواری و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملت‌ها به گذشته‌ی که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه‌گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه‌ی «و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا» را به آنان بیاموزد، کریمه‌ی «و لله العزه و لرسوله و للمومنین» را بر آنان فروخواند، خطاب «و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین» را به گوش و دل آنان برساند، فرمان «ان الحکم الا لله» را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه‌طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته‌ی و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می‌خواهند از آن مانع شوند.

بیانات در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه نیروی دریایی ارتش / ۱۳۷۰/۱۰/۱۲

عناصر رزمنده‌ی نیروهای مسلح! برحسب تجربه‌های تاریخی، آنچه بیش از همه برای ملت‌ها مایه‌ی افتخار است، عبارت است از قدرت دفاع و قدرت سازندگی؛ در معیار تقدیر و ارزش‌گذاری بر روی ملت‌ها، آنچه در بالای صفحه قرار می‌گیرد، این دو توانایی است. هرگز در تاریخ، کشوری را به خاطر مثلا وسعت بازگانی یا تجملات زندگی یا مصرف زیاد و از این‌گونه چیزها ستایش نمی‌کنند؛ مگر زبان‌های سطحی‌جو و مغزهای سطحی‌نگر؛ اما ملت‌هایی را که توانسته‌اند در مواقع حساس از خود دفاع کنند، تاریخ ستایش می‌کند و قشربهای ژرف‌نگر به چشم تجلیل بر آنها می‌نگرند. تاریخ همچنین ملت‌هایی را که توانسته‌اند پس از ضربه‌های هولناک و ویرانه‌های وسیع، با سازندگی و قدرت نوآوری، دوباره خود را به حال اول بلکه بهتر برگردانند، ستایش می‌کند.

پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال ۱۳۷۱ هجری شمسی / ۱۳۷۱/۰۱/۰۱

مردم از اسراف، چه در ایام عید و چه در طول سال آینده و به ویژه در مراسمی که معمولا در آن‌ها دچار اسراف می‌شوند، خودداری کنند. مصرف بی‌رویه و زیاد، قاعدتا از سوی قشرهای مرفه انجام می‌گیرد؛ چون قشرهای ضعیف قادر نیستند که زیاد مصرف کنند. مصرفی که از سوی یک قشر انجام می‌گیرد، به زیان کشور است. یعنی هم زیان اقتصادی، هم زیان اجتماعی و هم زیان روانی و اخلاقی دارد. من مکرر عرض کرده‌ام، باز هم می‌گویم و خواهش می‌کنم که مصرف‌گرایی را رها کنند. مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده‌روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است. امروز بسیاری از قشرهای مردم و خانواده‌ها دچار مشکل و زحمتند و هنوز اثرات و ثمرات بازسازی کشور، خودش را به‌طور کامل نشان نداده و خیرات و برکاتش به همه نرسیده است. اندازه عبارت است از اینکه انسان خودش را هرچه می‌تواند به این قشرها نزدیک کند. مسئولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضائی و سایرین، بخصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند.

بیانات در دیدار جمعی از زنان / ۱۳۷۱/۰۹/۲۵

من به خانم‌های مسلمان، به خانم‌های جوان و به خانم‌های خانه‌دار عرض می‌کنم: سراغ این مصرف‌گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و از جمله جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به پیشرفت و از جمله کشور ما انداخته است، نروید. مصرف باید در حد لازم باشد، نه در حد اسراف. خانم‌های کسانی که همسرانشان یا خودشان مسئولیتهایی در بخش‌های مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان دهند که شان زن مسلمان بالاتر از این حرف‌هاست که اسیر زورپور و جواهر آلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم این‌ها حرام است؛ می‌خواهیم بگوییم شان زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه‌ی ما محتاج کم‌کمند، کسانی بروند پول بدهند طلا بخرند، زینت‌آلات بخرند، وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روش‌ها و منش‌های زندگی، اسراف کنند. اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه / ۱۳۷۲/۰۸/۱۸

جهت دادن کلیه فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی در جامعه، تعمیق و گسترش حساسیت‌ها و باور دینی، گسترش ارزش‌های انقلابی، حفظ کرامت انسانی، ایجاد نظم و قانون‌پذیری و روحیه‌ی کار و تلاش و خود انکاپی و قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و پرداختن به زوائد.

متن پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال ۱۳۷۴ هجری شمسی / ۱۳۷۴/۰۱/۰۱

توصیه دوم که آن هم برای جامعه ما بسیار مهم است، «انضباط اقتصادی و مالی» است. من این را از احاد ملت و مسوولین کشور و مامورین دولت، امسال تقاضا دارم. انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت و پاش، زیاده‌روی و اسراف. ریخت و پاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به هیچ وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند؛ زیادی خرج می‌کنند و زیادی برای خودشان مصرف می‌کنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمی‌کنند، انسان‌هایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. به کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بی‌خود و بی‌جهت را با این همه ریخت و پاش ترتیب دادید؟ می‌گویند داریم و می‌کنیم! آیا این دلیل کافی است که دارم و می‌توانم خرج کنم؟ نه؛ این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع‌کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. بخصوص کسانی که اموال عمومی را مصرف می‌کنند. آنها هم مانند کسانی که اموال خودشان را بی‌حساب و کتاب خرج می‌کنند، مخاطب این مطلبند و نباید زیادی مصرف کنند. بعضی افراد،

بولدارند و درآمدی ان‌شاءالله از راه حلال دارند - آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است - اینها هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بی‌پوده و بی‌جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسامش ریخت‌وپاش است و ریخت‌وپاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلا مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کار درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت‌وپاش غلط و خلاف انضباط است.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶ / ۰۱/۰۱ / ۱۳۷۶

من می‌خواهم به مردم عزیزمان عرض کنم که امسال همه سعی کنند اسراف را کنار بگذارند. مناسفانه در زندگیهای ما اسراف وجود دارد. اسراف یعنی تضييع نعمت الهی؛ یعنی نشناختن قدر نعمت الهی. البته بیشتر، مخاطب ما در این سخن، افراد متمکنند. افرادی که تهیدست یا متوسطند، به نظر می‌رسد که کمتر اسراف می‌کنند؛ اگر چه در بین آنها هم بعضا اسراف هست. کنار گذاشتن اسراف در چیزهایی که به نظر کوچک می‌آید؛ مثل اسراف در مصرف بی‌رویهی آب، ضروری است. امسال قدری بارندگی کمتر بوده است که اقتضا می‌کند صرفه‌جویی بیشتری بشود. البته بحمدالله آینده‌ی بدی در انتظار ما نیست. همه چیز بحمدالله و به فضل الهی، برطبق مصلحت ملت ایران پیش خواهد رفت؛ لیکن ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می‌طلبد، تنظیم کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده‌روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضييع نعمت خداست. در آمارها می‌خوانیم و همه‌ی شما هم حتما اطلاع دارید که بخش عظیمی از این گندمی که با این همه زحمت و مزارت دهقان و کشاورز ایرانی به وجود می‌آید و خریداری می‌گردد و بعد آرد می‌شود و از آن نان تهیه می‌گردد، مناسفانه دور ریخته می‌شود. من نمی‌خواهم درصد معین کنم؛ اما مسوولان رقمهای خیلی بالا و وحشت‌آوری از مقدار نانی که مثلا دور ریخته می‌شود، ذکر می‌کنند.

این فقط یک مثال است؛ اما در همه‌ی امور ما باید به صرفه‌جویی عادت کنیم. صرفه‌جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائما چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست. به نظر من باید مسوولان کشور، راه صرفه‌جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند. من به صورت کلی این را عرض می‌کنم. خود مسوولان دولتی هم نباید اسراف کنند. اسراف مسوولان دولتی، از اسراف مردم عادی مضرت است؛ زیرا که این اسراف در بیت‌المال است. بنابراین مسوولان، فهرستی از مثالهای صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف را ردیف کنند و آن را به مردم بگویند و تعلیم دهند که چگونه می‌شود صرفه‌جویی کرد.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶ / ۰۱/۰۱ / ۱۳۷۶

من می‌خواهم به مردم عزیزمان عرض کنم که امسال همه سعی کنند اسراف را کنار بگذارند. مناسفانه در زندگیهای ما اسراف وجود دارد. اسراف یعنی تضييع نعمت الهی؛ یعنی نشناختن قدر نعمت الهی. البته بیشتر، مخاطب ما در این سخن، افراد متمکنند. افرادی که تهی‌دست یا متوسطند، به نظر می‌رسد که کمتر اسراف می‌کنند؛ اگرچه در بین آنها هم بعضا اسراف هست. کنار گذاشتن اسراف در چیزهایی که به نظر کوچک می‌آید؛ مثل اسراف در مصرف بی‌رویهی آب، ضروری است. امسال قدری بارندگی کمتر بوده است که اقتضا می‌کند صرفه‌جویی بیشتری بشود. البته بحمد الله آینده‌ی بدی در انتظار ما نیست. همه چیز بحمد الله و به فضل الهی، برطبق مصلحت ملت ایران پیش خواهد رفت؛ لیکن ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می‌طلبد، تنظیم کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده‌روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضييع نعمت خداست.

پیام به مناسبت حلول سال نو / ۰۱/۰۱ / ۱۳۷۷

ملت عزیز جدا از اسراف و زیاده‌روی پرهیز کنند. ما حق نداریم به عنوان یک ملت، مصالح بزرگ و ملی و دورنگر - بلکه مصالح نقد مهم و کنونی - خود را به خاطر خواسته‌های شخصی خودمان - که ما را به اسراف و بی‌بندوباری در مصرف می‌کشاند - فدا کنیم و آنها را ندیده بگیریم. همه باید مساله صرفه‌جویی را جدی بگیرند.

امسال توصیه مهم من عبارت است از صرفه‌جویی. دولت هم باید صرفه‌جویی کند؛ ملت هم باید بکند. دولت، علاوه بر صرفه‌جویی بایستی راههای صرفه‌جویی را هم به مردم تعلیم دهد. تا وقت نگذشته است - تا ماههای اول سال، سپری نشده است - بایستی فهرستی از انواع صرفه‌جوییهای را که مردم می‌توانند بکنند - در آب، نان، بنزین و در مصارف گوناگون و همه چیزهایی که برای صرف آنها مجبوریم از سرمایه‌های کشور و نفت مصرف کنیم - و راههای صرفه‌جویی در آنها را به مردم تعلیم و نشان دهند؛ مردم هم جدا سعی کنند که صرفه‌جویی نمایند.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۰۹/۱۵ / ۱۳۸۱

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهای که در این راهها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند!

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روز به روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاه‌های مسئول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادها بزنیم. جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه‌ی اول به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند. امروز در جامعه‌ی ما فقر وجود دارد. وظیفه‌ی ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة»؛ این وظیفه‌ی همه است. هرکدام به نحوی تجمل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. این درس ماه رمضان است. این کار، همت و گذشت و بصیرت و آگاهی می‌خواهد. از خدای متعال کمک بخواهیم.

خانواده‌های بسیاری هستند که نه از روی تن‌پروری و تن به کار ندادن، بلکه به معنای واقعی کلمه محروم و مستمندند. باید اینها را شناسایی و پیدا کنید - کار مشکلی هم نیست - و به اینها کمک نمایید.

پروردگارا! ما را در انجام دادن این وظیفه‌ی بزرگ و اساسی یاری کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد ضررهای اسراف و مصرف‌گرایی و منافع‌مواصات و رسیدگی به محرومان و مستمندان را برای یکایک افراد جامعه‌ی ما روشن بکن و آنها را به این کار موفق فرما.

بیانات در دیدار مردم استان همدان / ۱۳۸۳/۰۲/۱۵

ضلع سوم این است که مناسبات اقتصادی و اجتماعی سلامت پیدا کند؛ این، هم بر عهده‌ی مسئولان است- بر عهده‌ی دولت، قوه‌ی قضائیه و مجلس شورای اسلامی- و هم بر عهده‌ی آحاد مردم است. مناسبات اقتصادی و اجتماعی غلط یعنی چه؟ یعنی رواج قاچاق، رباخواری، مصرف‌گرایی افراطی و گرایش به تفاخر در استفاده از مصنوعات خارجی در مقابل نمونه‌های داخلی آن، که معنایش این است که کارگر ایرانی را به نفع کارگر خارجی بیکار می‌کند. باید افتخار به استفاده‌ی از مصنوعات داخلی در مردم و مسئولان بیدار شود. در درجه‌ی اول خود مسئولان و دستگاه‌های دولتی و قوای سه‌گانه، و در درجه‌ی بعد آحاد مردم به این نکته توجه کنند و اهمیت دهند.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۳/۰۹/۱۱

دادن پیامهای گوناگون باید جریان‌ی انجام بگیرد و به شکل یک روند در بیاید؛ مقطعی و موردی فایده‌ی ندارد. همه‌ی برنامه‌های ما باید یکدیگر را کمک کنند تا این فکر و این اندیشه در جامعه مطرح شود. ممکن است گاهی ما پیامهای متناقض بدهیم. مثلاً از یک طرف در باره‌ی عدالت اجتماعی برنامه‌ی خیلی خوبی تولید می‌کنید؛ اما از آن طرف در خلال یک برنامه‌ی دیگر، عملاً عدالت اجتماعی را نقض می‌کنید! این درست نیست؛ باید آهنگ کلی برنامه‌ها یکی باشد و در بین آنها تناقض دیده نشود. در مقوله‌ی عدالت اجتماعی فیلمها و سریالهایی ساخته می‌شود که غالباً خانه‌های مورد استفاده‌ی شخصیت‌های این فیلمها اعیانی و اشرافی است! واقعا وضع زندگی مردم ما این‌طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟! این کار چه لزومی دارد؟ سالها قبل بعضی از سریالهایی که از سیما پخش می‌شد، هرچند کیفیت آنها مثل سریالهای الان نبود- عقب‌تر بود- لیکن فضای زندگی در آنها، متواضعانه و در یک خانه‌ی معمولی بود؛ آن‌طوری خوب است. زندگی را لزوماً نباید اعیانی و اشرافی و متجملانه معرفی کرد. فضای تبلیغی صدا و سیما این‌طوری باشد. البته گاهی در این خصوص هم به ما تذکر می‌دهند و مطالبی می‌گویند. تبلیغات رسانه‌ای و گاهی تبلیغ‌های خیلی پررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌ای که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است؛ باهم هماهنگ نیست.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۳/۰۹/۱۱

اخلاق‌های رفتاری افراد جامعه؛ مثل انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حق دیگران- اینکه دیگران حقی دارند و باید حق آنها رعایت شود، یکی از خلقیات و فضایل بسیار مهم است- کرامت انسان، احساس مسئولیت، اعتماد به نفس ملی، شجاعت شخصی و شجاعت ملی، قناعت- یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به‌خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم- امانت، درستکاری، حقی‌طلبی، زیبایی‌طلبی- یکی از خلقیات خوب، زیبایی‌طلبی است؛ یعنی به دنبال زیبایی بودن، زندگی را زیبا کردن؛ هم ظاهر زندگی را و هم باطن زندگی را؛ محیط خانواده، محیط بیرون، محیط خیابان، محیط پارک و محیط شهر- نغی مصرف‌زدگی، عفت، احترام و ادب به والدین و به معلم.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

از این خطرناک‌تر، این است که سررشته‌ی همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحولات می‌خواهند اهداف خودشان را- که یا زر است یا زور- تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملتها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صد سال، صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح این‌ها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای این‌ها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانیها، سرمایه‌های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضا می‌کرده است که اخلاق جنسی ملتها را خراب کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، به‌راحتی این کار را انجام می‌دادند؛ بی‌اعتنایی به هویتها ملی و میانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را می‌کردند. این‌ها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر می‌کردند.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هرکه و هر جور، همه‌ی دانشهای مورد نیازمان را فراگیریم؛ این دانش را به مرحله‌ی عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه‌ی علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام بدهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی آموزش‌های مدیریتی از پیشرفتهای دنیا فراگیریم، آن را بین خودمان برطبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم.

در باره‌ی مشکلات اجتماعی‌ای که در کشور وجود دارد، تحقیق کنیم و راه ریشه کن کردن این‌ها را پیدا کنیم و به دنبال این برویم که راه مبارزه با اسراف چیست. اسراف یک بیماری اجتماعی است. راه مبارزه با مصرف‌گرایی چیست؟ راه مبارزه با ترجیح کالای خارجی بر کالای ساخت داخل چیست؟ این‌ها تحقیق می‌خواهد. در دانشگاهها پروژه‌های تحقیقی بگیرید، استاد و دانشجو کار کنید، نتیجه‌ی تحقیق را به مسئولان کشور بدهید؛ به رسانه‌ها بدهید تا سرریز شود و فرهنگ‌سازی شود. این، می‌شود پیشرفت.

بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۲۴ قانون اساسی / ۱۳۸۵/۱۱/۲۰

دو چیز را باهم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه‌ی تولید و نحوه‌ی استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد؛ از راههای غیر قانونی، با استفاده از تقلبات و تخلفات نباشد؛ مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد؛ بتواند مثل خونی در رگهای جامعه جریان پیدا کند؛ صرف در فساد نباشد. این آیه‌ی شریفه را ملاحظه کنید- سوره‌ی قصص، آیات مربوط به قارون- قارون یک نمونه‌ی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل می‌کند؛ «قال له قومه»- این حرفها از آدم‌های عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرفهای معتبری است؛ علاوه بر اینکه خود قرآن این حرفها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان و اثبات می‌کند- که به او می‌گویند: «و اینبع فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله‌ی به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنيا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

از سیاست‌های اصل ۴۴ همه باید استفاده کنند. کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند، حتی افرادی که می‌توانند سرمایه‌گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، این‌ها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؛ می‌توانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهیم باشند. علاوه بر سهام عدالتی که تقریباً ده میلیون نفر را شامل می‌شود- که مال دو دهک پائین جامعه است- بقیه آحاد مردم هم می‌توانند از این سیاستها استفاده کنند؛ راه دارد. مسئولین دولتی باید راه‌های مشارکت مردم را در فعالیتهای اقتصادی به آنها بگویند. این سیاستها به معنای تولید ثروت عمومی برای جامعه است. تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یکوقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی می‌کند، یکوقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می‌رسد؛ این‌ها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آورد، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید- که در اسلام اسمش کنز کردن است- نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به این‌ها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند. روح اصل ۴۴ و سیاست‌های اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۸۶/۰۸/۲۲

اعمال را با تدبیر انجام دادن؛ این طواف، این سعی، این وقوف، این حالت خضوع و خشوع، این رعایت محرمات و ممنوعات دوران احرام؛ هرکدام از اینها یک درس است. این را حجاج محترم ما و برادران و خواهران عزیز ما با وارد کردن انگیزه‌های کوچک دنیائی باطل نکنند؛ مثل همین خریدن جنسی از فلان مغازه. خود این مبتلا شدن به مراجعه به مراکز فروش برای یک چیز کم اهمیت، یک بلا و یک مشکل است و ملباساتی که دارد، مشکل دیگر. وقت نماز بگذرد، جلو چشم مردم، تحقیر و توهین حاجی ایرانی محسوب بشود و چیزهای دیگری که حالا در خلال این، در کنار این، پیش می‌آید. اینی که من هر سال این را تاکید میکنم به دست‌اندرکاران حج و توصیه میکنم به برادران و خواهران حاجی، برای این است. یک هوس کم‌اهمیت و حقیر، کل آن فضای معنوی را ممکن است تحت تأثیر قرار دهد. ما که مردم را دعوت به زهد ابزاری که نکردیم؛ ماها که کوچکتر از آن هستیم که فکر آنجور زهدی را بکنیم؛ ما دعوت میکنیم خودمان را و مردم را به زیاده‌روی نکردن در این امور. ما زیاده‌روی میکنیم در مصرف کردن، در دل سپردن، در اهمیت دادن، در دنبال کردن؛ این زیاده‌رویها ضرر می‌زند به فضای معنوی.

بیانات در دیدار مردم شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

در باره مسائل اقتصادی، من هم اول امسال و هم اول سال گذشته- هم به مسئولین، هم به مردم- تذکر دادم و گفتم: امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حساس اقتصادی است تا بلکه بتواند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کند. هرچه می‌تواند اختلال ایجاد کند و هرچه هم نمی‌تواند، در تبلیغاتشان وانمود کنند که اختلال هست؛ این کاری است که امروز در تبلیغات دشمنان ما، با قدرت و به شکلهای مختلف انجام می‌گیرد. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه به مصرف‌گرایی است. من این را می‌خواهم به مردم عزیزمان تاکید کنم: مصرف‌گرایی به صورت اسراف یکی از بیماریهای خطرناک هر ملتی است. ما یک‌خرده به این مصرف‌گرایی افراطی دچار هستیم. یکی از نمونه‌هایش را به مناسبت مشکل کم‌آبی- که چند استان کشور از جمله استان شما تا کنون مشکل کم‌آبی داشته‌اند که امیدواریم خدای متعال تفضل کند و باران رحمتش را بر شما نازل بکند- عرض بکنم؛ یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است؛ نه فقط آبی که مصرف شرب در خانه‌ها می‌شود، نوع آبیاری کشاورزی ما هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر می‌دهیم. وظیفه‌ی مسئولین و دست‌اندرکاران این بخش است که به این مسئله به‌طور ویژه توجه کنند؛ پس به مسئله‌ی اسراف- هم در مسئله‌ی آب و هم در مسائل دیگر- باید با اهمیت نگاه کنند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین- بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بلاغ- خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد؛ برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز رائج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ می‌گفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگوئید، چه نگوئید. یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهدی بود، با ما هم آشنا بود، وابسته‌ی به یکی از همین گروهک‌هایی بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند- گروه جنگل و امثال این‌ها- یک جایی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که می‌خواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم تو این زمینه‌ی اجتماعی که نمی‌شود؛ یک‌قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، حرف بزنید، به مردم تفهیم کنید چه کار می‌خواهید بکنید. با کمال بی‌اعتنائی گفت: آن روش اسلامی است؛ بله، روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم، که آن انگیزه‌های دیگری دارد- مثل این مصرف‌گرایی و اسراف و این چیزها که حالا گفتند- این جزو میراث‌های ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم. ما ملت ایران باید این جامعه‌ی ناساز بی‌اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد. خوب، این‌ها عوامل درونی بود.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

امروز بدون تردید همه‌ی آن صف‌آرایی‌هایی که روز اول علیه این انقلاب بود، وجود دارد؛ بعضی شکل عوض کرده، بعضی صف‌آرایی‌ها هم مرور زمان اضافه شده است. امروز متأسفانه همان‌طور که این جوانها گفتند، مصرف‌گرایی و مسابقه‌ی تجمل‌پرستی و مسابقه‌ی پول درآوردن و تلاش برای پول کردن، یک طبقه‌ی جدیدی درست کرده. نظام اسلامی با تولید ثروت مخالف نیست، با ایجاد ثروت مخالف نیست، بلکه مشوق اوست. اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد؛ این یک اصل اسلامی است. اما اینی که آحاد مردم دلشان لک بزند برای مسابقه‌ی اشرافیگری، برای تجمل‌پرستی، این یک چیز بسیار نامطلوب است؛ این چیزی است که متأسفانه در درون ما هست؛ همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ام؛ اسراف و مصرف‌گرایی افراطی.

بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی الرضا / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می‌شود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف می‌شود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، این‌ها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می‌رود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر می‌رود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می‌رود. این‌ها اسرافهای ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. روسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمی‌کنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بی‌بوجه، میلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان‌طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمی‌شود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانون‌گذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجرا کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی‌اش مربوط به همین قضیه است.

این صرفه‌جویی‌ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت: آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های باصرفه‌ی در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سالها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. اینکه گفته می‌شود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، پارانه‌ی کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمکهای دولتی، از کمکهای عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف می‌کنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف می‌کنند؛ خوب، این‌ها بایستی هزینه‌ی بیشتری بدهند.

بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح می‌کنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوبتهای متعددی در همین‌جا خطاب به مردم عزیزمان در باره‌ی اسراف، در باره‌ی ولخرجی و تضييع اموال و لزوم صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه ریزی هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض می‌کنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عاداتی ما، سنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این‌جوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تاکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی می‌زند، هم لطمه‌ی فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ی دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تاثیرهای منفی می‌گذارد. بنابراین مسئله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده‌ی کشور را تهدید می‌کند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۹/۰۱/۰۱

همت مضاعف و کار مضاعف در استفاده بهینه از منابع موجود کشور و امکاناتی که وجود دارد. از همه‌ی آن چیزهایی که می‌تواند برای سازندگی کشور در دورانهای آینده مورد استفاده قرار بگیرد، یا زندگی عمومی مردم را رفاه و رونق ببخشد، باید حد اکثر استفاده بشود؛ یعنی همان چیزی که یکی از ارکان اصلاح الگوی مصرف است. از آب در کشور استفاده بهینه بشود. ما امروز از آب در کشور استفاده بهینه نمی‌کنیم. سال گذشته که بنده مسئله اصلاح الگوی مصرف را مطرح کردم، پژوهشگران کشورمان تحقیق کردند، به ما اطلاع دادند که اگر آبی که در کشور مصرف می‌شود، ده درصد آن صرفه‌جویی شود، این ده درصد به قدر تمام استفاده‌ای است که امروز برای شرب خانگی و برای صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروز نوددرصد آب کشور در بخشهای کشاورزی مصرف می‌شود- مصرف غلط، مصرف اسراف‌آمیز- ده درصد دیگر برای آب شرب و برای صنعت و برای مصارف گوناگون به کار می‌رود. یعنی اگر در کار کشاورزی ما ده درصد صرفه‌جویی کنیم، مقدار مصرف شرب و صنعت و امثال این‌ها به دو برابر خواهد رسید؛ این‌قدر مسئله مهم است. مسئله مصرف برق و مصرف حامل‌های انرژی- بنزین، گازوئیل- هم مهم است. این لایحه‌ی هدفمند کردن پارانه‌ها که مطرح شده است، ناظر به این مسائل است؛ لایحه‌ی بسیار مهمی است.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۹/۰۴/۰۳

آرزوهایی که امروز ما برای این گستره‌ی وسیع داریم، آرزوهایی است که هیچ ملت آگاهی، هیچ دانشمند فرزانه‌ای و هیچ سیاسی منصفی، این‌ها را رد نمی‌کند. ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گری؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ حتی انسانی هم که در یک کشوری که دولتش صددرصد سلطه‌گر است زندگی می‌کند، این را رد نمی‌کند؛ یعنی در مناسبات جهانی، رابطه رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نباشد. همچنین عدالت و استفاده‌ی از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر. بخصوص در طول این دوره‌های اخیر بعد از جنبش علمی دنیا- رنسانس- به این طرف و بخصوص در این یک قرن اخیر، بسیاری از آنچه در زمینه‌ی علم انجام گرفته، به جای اینکه برای آسایش بشر باشد در تهدید بشر بوده؛ یا تهدید جان، یا تهدید اخلاق، یا تهدید خانواده؛ و تشویق به مصرف‌گرایی و پر کردن جیب چپاولگران بین‌المللی و صاحبان و پدیدآورندگان تراستها و کارتلها. ما می‌گوئیم علم، به جای این‌ها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ در خدمت آسایش انسان، در خدمت آرامش انسان و در خدمت روح و روان انسان. این‌ها حرف‌هایی است که دنیا نمی‌تواند رد کند.

تعیین و ابلاغ سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف / ۱۳۸۹/۰۴/۱۵

مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرف‌زدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده‌ام، باز هم عرض می‌کنم؛ این خطر است در راه ما. مصرف‌زدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا یک شایعه‌ای درست می‌شود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند، که نادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شی ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خوب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم میکند. ما به این مسئله توجه نمی‌کنیم. این یکی از ضعفهای ماست؛ ما این ضعف را باید برطرف کنیم.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و بویژه سالهای اخیر پس از شکستهای پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلیدی دست بزند، تا عملیات تروریسم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تخریب و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غریب‌زدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، «سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافیگری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله‌ای و مذهبی دامن میزند و اشدا با مومنین و رحما با کفار است، اعتماد نکند. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار میکردند و از سبملهای اسلامی میگريختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درست است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه سیاست، هم در زمینه مسائل علمی، هم در زمینه مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌های که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مارتوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مامور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما میخواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن میگویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب‌العشره»؛ آن کتاب‌العشره درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

خب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته، در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و بوجی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بعد از آنکه علتها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه میتوانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوانها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، میتوان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسانتر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید.

نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه‌ها موظفند، تربیون‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاهها، بخصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی میکنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سرفصلهای آموزشی را برای کتابهای درسی تعیین میکنند، موظفند. اینها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم.

بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم؛ چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البر و التقوی»، یا: «و اعصموا بحبل الله جمیعاً». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرقوا». چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمیکنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت میکنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخشهای زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرتهای روزانه، به همدیگر به طور کامل راست میگوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف میزنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار میگریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگرهای بی‌مورد میکنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و ناپردباری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات میکنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات میشود؟ چقدر به قانون احترام میکنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرفهای خوب، نظرها‌ی خوب، ایده‌های خوب، در حد رویا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما میگویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک

تصمیم‌زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ تحمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و دهها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست. نمیشود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابراری است برای اینکه این بخش تامین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

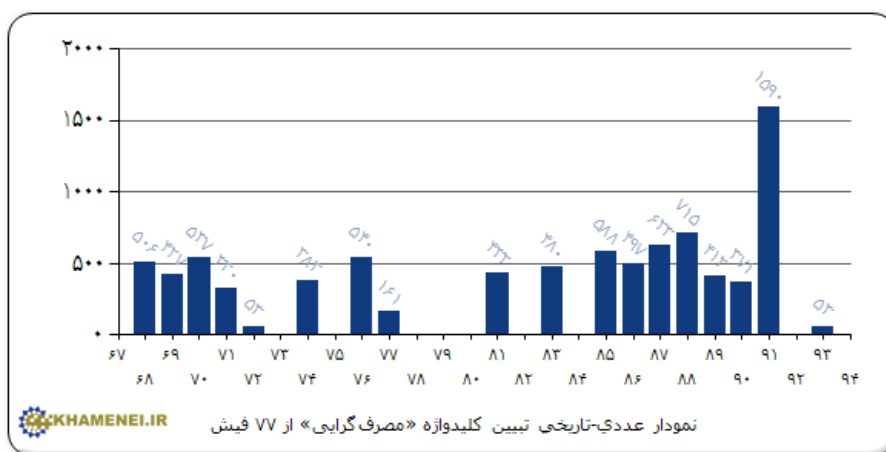
اجتناب از اسراف هم یک سرفصل دیگر است؛ اجتناب از اسراف، تزیین مال، هدر دادن منابع عمومی، هدر دادن آب، هدر دادن نان، از بین بردن خاک. خاک یک ثروت است، آب یک ثروت است، نان یک محصول ذی‌قیمت است؛ مراقب باشند، همه مراقب باشند، احساس مسئولیت کنند، اینها را از بین نبرند.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

پرهیز از اسراف؛ کسانی که اهل اسرافند بدانند، این اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش که در اسلام این‌همه مذمت شده است، سرنوشت اقتصاد ملی را تعیین میکند؛ اگر چنانچه از اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقدها، در عروسی‌ها، در بقیه‌ی مراسم و چه بقیه‌ی چیزهای دیگر پرهیز بشود، به اقتصاد ملی کمک میکند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

عیوب اساسی در سبک زندگی ما است؛ این دیگر مربوط به مسئولین نیست، مربوط به خود ما و شما آحاد مردم است. ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم؛ یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشکلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی است؛ یکی از مشکلات ما اشرافیگری است. اشرافیگری متناسفانه از طبقات بالا سرریز میشود به طبقات پایین؛ آدم متوسط -یعنی- از قشرهای متوسط- هم وقتی میخواهد میهمانی بگیرد، وقتی میخواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی بگیرد. این عیب است، این خطا است، این ضربه‌ی به کشور میزند. زیاد مصرف کردن، زیادی خواستن، زیادی خوردن، زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ما است در سبک زندگی‌مان.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «مصرف‌گرایی» :

فرآیند مصرف‌گرایی در کشورهای در حال توسعه / نویسنده : ابراهیم برین / ۱۳۸۸/۰۲/۰۶

مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی / نویسنده : سیداکبر سیدی‌نیا / ۱۳۸۸/۰۴/۰۱

مبانی مصرف‌گرایی در دنیای جدید و اصول مصرف در اسلام با تأکید بر رسانه ملی / نویسنده : علی‌اصغر غلامرضایی / ۱۳۸۹/۰۲/۲۱